



## تقریر درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی دامت برکته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه ۳	تاریخ	۱۴۰۰/۰۷/۲۲
عنوان ۱	فصل اول: کلیات احکام ازدواج			
عنوان ۲	مطلب پنجم: شروط وجوب نکاح یا انکاح			
عنوان ۳	شرط کفویت			
عنوان ۴	اموری که موجب سلب کفویت می شود			
عنوان ۵	کفر			
عنوان ۶	نکاح با کتابیه			
عنوان ۷	بررسی روایات این باب			

در مبحث فقه خانواده به مسأله کفویت رسیدیم و به تفصیل به این بحث پرداختیم و به اینجا رسیدیم که یکی از موانع کفویت، کفر است. به همین مناسبت، به این بحث پرداختیم که تزویج با کفار جایز نیست؛ اما در مسأله ازدواج با اهل کتاب، روایات، استثنائی قائل شده است در رابطه با زن کافره کتابیه؛ منتهی چون روایات متعدد و متنوع است، باید روایات را دسته بندی کنیم؛ لذا این روایات را به شش دسته تقسیم کردیم که این روایات، نظر به آیات کریمه قرآن نیز دارند؛ البته گفتیم آیه کریمه **«وَلَا تُنْكِحُوا بَعْضَ الْكَافِرِ»**<sup>۱</sup>؛ خودش کافی است برای اثبات عدم جواز ازدواج با کافره مطلقاً؛ چه کتابیه باشد و چه کتابیه نباشد؛ بعد گفتیم که گفته شده که آیه کریمه **«الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ»**<sup>۲</sup>؛ آن آیه را تخصیص زده است. این مربوط به آیات قرآنی است که آیه دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که می فرماید:

**«وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا... وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا»**<sup>۳</sup>

و با زنان مشرک و بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید... و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، در نیاورید.

این نیز دلالت دارد بر اینکه ازدواج با مشرکات جایز نیست.

۱. سوره ممتحنه: ۱۰.

۲. سوره مائده: ۵.

۳. سوره بقره: ۲۲۱.

منتهی گفتیم کلمه مشرک در قرآن کریم، معمولاً در مقابل اهل کتاب به کار رفته است و اینکه بگوییم این کلمه مشرکات شامل اهل کتاب می شود، مشکل است زیرا در قرآن کریم، کراراً در مقابل اهل کتاب به کار رفته است؛ مثل آنجا که می فرماید:

﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُتَفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾<sup>۱</sup>،

کافران از اهل کتاب و مشرکان [می گفتند]: دست از آیین خود بر نمی دارند تا دلیل روشنی برای آنها بیاید.

در بسیاری از موارد در قرآن کریم، مشرک در عرض اهل کتاب آمده است؛ لذا مشکل است که بگوییم این آیه شامل کافرین کتابی نیز می شود.

لذا باید به روایات رجوع کرد که تفسیر این آیاتند. گفتیم که روایات شش دسته اند:

#### دسته اول

دسته اول از روایات در این مورد، روایاتی است که ظهور در جواز ازدواج با کتابیه دارد مطلقاً؛ یعنی مرد مسلمان می تواند با زن کتابی ازدواج کند؛ نه برعکس. در جلسه گذشته چند نمونه از این روایات را خواندیم که برای تذکر دوستان به برخی اشاره می کنیم:

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «إِنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ وَجَمِيعَ مَنْ لَهُ ذِمَّةٌ إِذَا أَسْلَمَ أَحَدُ الزَّوْجَيْنِ فَهُمَا عَلَى نِكَاحِهِمَا»<sup>۲</sup>؛

این روایت، اعم از چیزی است که ما بیان کردیم؛ این روایت می فرماید اگر یکی از زن و مرد غیر مسلمانی که اهل کتابند، مسلمان شد، ازدواجشان از بین نمی رود؛ معلوم می شود مسلمان می تواند - ولو استدامتاً - با غیر مسلمان کتابی رابطه ازدواجی داشته باشد؛ این روایت اعم از این است که زوج کتابی باشد یا زوجه. روایت دیگر از مرحوم کلینی است که سندش تام است:

بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الطَّاطَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ طَعَامِ أَهْلِ الْكِتَابِ وَنِكَاحِهِمْ حَلَالٌ هُوَ قَالَ نَعَمْ قَدْ كَانَتْ تَحْتَ طَلْحَةَ يَهُودِيَّةً»<sup>۳</sup>؛

روایات متعددی وجود دارد که اشاره می کند که طلحه یک زن یهودی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشت و پیامبر صلی الله علیه و آله او را از این کار نهی نفرمود و این بر جواز ازدواج مرد مسلمان با زن کتابی دلالت دارد. روایت دیگر که از لحاظ سندی از روایت قبلی هم قوی تر است چنین است:

۱. سورة بینه: ۱.

۲. وسائل الشیعة؛ ابواب ما یحرم بالکفر، باب ۵، ح ۲.

۳. همان؛ ح ۳.

وَعَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ نِكَاحِ الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ كَأَنَّكَ تَحْتَ طَلْحَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ يَهُودِيَّةً عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله»؛<sup>۱</sup>

روایت دیگری که می‌توان آن را از همین دسته اول در رابطه با جواز تزویج با کتابیه دانست، روایت حفص بن غیاث است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ: «كَتَبَ بَعْضُ إِخْوَانِي أَنْ أَسْأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مَسَائِلَ فَسَأَلْتُهُ عَنِ الْأَسِيرِ هَلْ يَتَزَوَّجُ فِي دَارِ الْحَرْبِ فَقَالَ أَكْرَهُ ذَلِكَ فَإِنْ فَعَلَ فِي بِلَادِ الرُّومِ فَلَيْسَ هُوَ بِحَرَامٍ هُوَ نِكَاحٌ وَأَمَّا فِي التُّرْكِ وَالدَّيْلَمِ وَالخَزَرِ فَلَا يَحِلُّ لَهُ ذَلِكَ»؛<sup>۲</sup>

بلاد روم، بلاد کتابیون بوده است که غالباً مسیحی بودند و مقداری هم یهودی بودند. ظاهراً در آن زمان، ترک و دیلم و خزر هنوز کتابی هم نبودند؛ یعنی مشرک بودند.

#### دسته دوم

دسته دوم از روایات، روایاتی است که جواز تزویج با کتابیه را به این شرط مقید می‌کنند که ازدواج با کتابیه «علی المسلمة» نباشد. بنابراین، این دسته از روایات، مقید روایات دسته اول خواهند شد. از جمله این روایات، موثقه سماعة بن مهران است که از لحاظ سندی نیز معتبر است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى <sup>۳</sup> عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ أَيْتَزَوَّجُهَا الرَّجُلُ عَلَى الْمُسْلِمَةِ قَالَ لَا وَيَتَزَوَّجُ الْمُسْلِمَةُ عَلَى الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ»؛<sup>۴</sup>

این روایت نیز می‌تواند از روایات داله بر جواز ازدواج با زن یهودی و نصرانی باشد؛ اما با این قید که ازدواج با آنها، ازدواج بر زن مسلمان نباشد.

از تزویج بر مسلمة در روایات دیگری نیز منع شده؛ مثل روایت صحیحہ محمد بن مسلم:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «لَا تَتَزَوَّجُ الْيَهُودِيَّةَ وَ النَّصْرَانِيَّةَ عَلَى الْمُسْلِمَةِ»؛<sup>۵</sup>

این روایت نیز روایات جواز ازدواج با زن یهودی و نصرانی را قید می‌زند.

روایت سوم همین باب نیز همین مطلب را بیان می‌کند به اضافه مطلب دیگری که در گذشته به آن اشاره کردیم:

۱. همان؛ ۴.

۲. همان؛ باب ۲، ح ۴.

۳. گرچه درباره عثمان بن عیسی گفته شده که واقفی است؛ اما او ثقة است؛ و ما در اصل واقفی بودنش نیز تردید داریم و بر فرض واقفی بودنش، قطعاً ثقة است.

۴. وسائل الشیعة؛ ابواب ما یحرم بالکفر، باب ۷، ح ۲.

۵. همان؛ ح ۱.

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَلْ لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَزَوَّجَ النَّصْرَانِيَّةَ عَلَى الْمُسْلِمَةِ وَالْأُمَّةَ عَلَى الْحُرَّةِ فَقَالَ لَا تَزَوَّجَ وَاحِدَةً مِنْهُمَا عَلَى الْمُسْلِمَةِ وَتَزَوَّجَ الْمُسْلِمَةُ عَلَى الْأُمَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةَ وَالْمُسْلِمَةُ الثَّلَاثَانِ وَالْأُمَّةُ وَالنَّصْرَانِيَّةُ الثَّلَاثُ»؛

ظاهراً مراد از اُمة در این روایت، اُمة غیر مسلمان باید باشد به قرینه تقابل بین مسلمة و اُمة. این روایت علاوه بر اینکه جواز ازدواج با یهودیه و نصرانیه را به اینکه «على المسلمة» نباشد تقیید می‌زند، مطلبی دیگری نیز بیان می‌کند که در جایی که جواز تزویج کتابیه وجود دارد، به معنای کفویت نیست؛ زیرا می‌فرماید که اگر زن نصرانی یا یهودی داشت و بعد زن مسلمان گرفت، دو برابر زن یهودی حق بر شوهر دارد؛ این دلالت دارد بر اینکه کفویت وجود ندارد؛ و الاً باید به همان اندازه که زن مسلمان حق دارد، زن کتابیه نیز حق می‌داشت.

و صلَّى الله على محمد وآله الطاهرين